

بُعد سیاسی شخصیت سید رضی علیه السلام

سید علی میرشرف‌الدین (میرشریفی) *

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۱۲

تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۲۵

چکیده

بیشترین دلیل اشتهار سید رضی علیه السلام در وهله نخست به خاطر گردآوری سخنان امیرالمؤمنین در کتاب شریف نهج البلاغه و سپس به جهت آثار ادبی و علمی مختلف اوست. اما بعد سیاسی حیات سید رضی علیه السلام مغفول مانده و اغلب حتی نزد شیعیان ناشناخته است. در این نوشتار کوتاه می‌خواهیم ضمن بیان شرح حال مختصری از سید رضی علیه السلام و اشاراتی به آثار و تألیفات وی، به بعد سیاسی شخصیت او در دو حیطه زندگی و تفکر سیاسی بپردازیم و حیات و اندیشه سیاسی وی را در حدودی که منابع قابل اعتماد در این باره وجود دارد بیان کنیم. در این مقاله در بعد زندگی سیاسی به مناصب، مسئولیت‌ها و اشتغالات سیاسی و اجتماعی وی، مشخصاً نقش وی در مقام ناظر بر دیوان مظالم و امیرالحاج بودن و نیز تلاش‌هایش برای کسب مقام خلافت پرداخته می‌شود. و در بعد حیات فکری به نگرش سید به حق خلافت و حقانیت امیرالمؤمنین و اولاد او در جانشینی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و اعتراض‌های سیاسی وی به خلفا و حاکمان زمانه که عمدتاً در قصائد وی تبلور یافته است اشاراتی می‌رود. بر اساس وجوه علمی و عملی سید رضی علیه السلام در عرصه سیاسی و اجتماعی می‌توان به تصور درستی از شخصیت ذی وجوه وی رسید و از این طریق در فهم و بازخوانی آثار و اندیشه‌های وی منظر نظری دیگر را فراهم کرد.

واژگان کلیدی

سید رضی علیه السلام، امور سیاسی، حق خلافت، مسئولیت‌های اجرائی، اعتراض سیاسی.

* . استادیار سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت). تهران. ایران



مقدمه

ابوالحسن محمد بن حسین بن موسی الموسوی، معروف به شریف رضی و سید رضی رحمتهما الله، ادیب، شاعر، فقیه، متکلم، محدث و مفسر، از اعظم علمای امامیه و از برجسته‌ترین شخصیت‌های شیعه و در زمره دانشمندان بزرگ جهان اسلام در قرن چهارم بود. او به سال ۳۵۹ هـ در شهر بغداد چشم به جهان گشود (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۴۷، مدنی شیرازی، ۱۴۰۳، ص ۴۶۶، امین عاملی، ۱۴۰۳، ج ۹، ص ۲۱۶، ثعالبی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۱۵۵). پدر سید رضی رحمتهما الله چهار فرزند داشت. دو پسر و دو دختر، پسرانش علی و محمد معروف به شریف مرتضی و شریف رضی رحمتهما الله و دخترانش خدیجه و زینب بودند. سید رضی رحمتهما الله چهار سال از برادرش سید مرتضی رحمتهما الله کوچکتر بود (ابن صوفی، ص ۱۲۵، دوانی، ج ۳ ص ۲۷۰).

نسب سید رضی رحمتهما الله از جانب پدر با پنج واسطه به امام موسی بن جعفر رحمتهما الله می‌رسد یعنی امام کاظم رحمتهما الله جد پنجم پدری اوست و از ناحیه مادر نیز با هشت واسطه به امام زین العابدین رحمتهما الله می‌رسد که امام چهارم، جد ششم مادری اوست (مدنی شیرازی، ۱۴۰۳، ص ۴۵۹-۴۵۸). پدرش ابوالاحمد تقیب، حسین بن موسی ملقب به طاهر ذوالمنقب از رجال سیاسی و از شخصیت‌های بزرگ بغداد به شمار می‌آمد، او تقیب طالبین، ناظر بر دیوان مظالم، امیر الحاج، سفیر و واسطه خلفای عباسی نزد امرای بویه و همدانی بود. وی معتمد رجال سیاسی زمان خود و مسئول امور مختلف اجتماعی-سیاسی و مشاور در حل و فصل معضلات بزرگ سیاسی و اجتماعی زمان خود بود چنانکه در باب نقش برجسته و تعیین‌کننده وی گفته شده است که هیچ معضل سیاسی و مشکلی نبود که به وی واگذار شود جز آنکه به بهترین وجه آن را حل می‌کرد (مدنی شیرازی، ۱۴۰۳، ص ۴۵۸، امین عاملی، ج ۱، ص ۲۱۶).

امیر عضدالدوله دیلمی به دلیل نامعلومی و گویا به سبب احساس خطر سیاسی که از ناحیه او می‌نمود در سال ۳۶۹ هـ یعنی هنگامی که سید رضی رحمتهما الله ده ساله بود پدر او را به شیراز تبعید و در قلعه‌ای زندانی کرد. وی تا سال ۳۷۶ هـ یعنی به مدت هفت سال در آنجا زندانی بود. از آن دوره و آن قلعه و چگونگی زندان وی هیچ اطلاعی در دست نیست. گویا در این مدت هیچ گونه ملاقاتی با خانواده خود نداشته است، فقط سید رضی رحمتهما الله پس از مرگ عضدالدوله در اوایل چهارده سالگی، قصیده‌ای برای پدر خود سرود و آن را به شیراز فرستاد. بعدها که شرف الدوله بر برادر خود صمصام الدوله پیروز شد ابوالاحمد تقیب را آزاد کرد و به بغداد آورد (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۳۱-۳۰، مدنی شیرازی، ۱۴۰۳، ص ۴۵۸).

دوران زندانی پدر مصادف بود با ایام کودکی و نوجوانی سید رضی رحمته الله علیه، از این رو تربیت و سرپرستی او و برادرش به عهده مادرش بود و به همین لحاظ است که مادرشان آنان را برای تعلیم و تربیت نزد شیخ مفید برد. مادر سید رضی رحمته الله علیه فاطمه بنت حسین بن احمد، معروف به ناصر صغیر، از بانوان مجلله و مکرمه آن روزگار به شمار می‌آمد. او از خانواده‌ای بزرگ و از فرزندان عمر اشرف پسر امام زین العابدین علیه السلام بود. پدران او از امرای مازندران و دیلم بودند.

اساتید و شاگردان

سید رضی رحمته الله علیه ابتدا نزد سیرافی ادیب بزرگ آن دوران به فراگیری ادبیات پرداخت. ابن خلکان از ابن جنی نقل می‌کند که روزی سیرافی به رسم تربیت کودکان و امتحان آنان از سید رضی رحمته الله علیه پرسید: اگر بگوییم «زَایْتُ عُمَرَ» علامت نصب عمر چیست؟ سید رضی رحمته الله علیه بی‌درنگ پاسخ داد: «بُغضَ عَلِيٍّ!» سیرافی و دیگران از تیزهوشی او شگفت‌زده شدند! (ابن خلکان، ۱۳۶۴، ج ۴، ص. ۴۱۶، صفدی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص. ۳۷۵، ذهبی (حوادث سال‌های ۴۰۱ - ۴۲۰)، ۱۴۰۷، ص. ۱۵۰، مرعشی شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۱، ص. ۵۰۵، مدنی شیرازی، ۱۴۰۳، ص. ۴۶۸، یافعی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص. ۱۹).

اساتید سید رضی رحمته الله علیه بیشتر از علمای اهل سنت بودند. مشهورترین آنان عبارتند از: سیرافی، ابوعلی فارسی، ابو عبدالله مرزبانی، قاضی عبدالجبار اسدآبادی، ابوالفتح ابن جنی و ابواسحاق طبری، اما یگانه استادی که در شکل گرفتن شخصیت علمی سید رضی رحمته الله علیه از همه بیشتر سهم داشت، فقیه نامدار و متکلم پرآوازه شیعه مفید رضوان الله تعالی علیه بود.

نقل شده است که شیخ مفید خواب دید در مسجد نشسته است، ناگهان حضرت زهرا علیها السلام در حالی که دست حسنین علیهما السلام را گرفته بود وارد مسجد شد و خطاب به شیخ فرمود: «عَلَّمَهُمَا الْفَقْهَ» به این دو فقه بیاموز. شیخ مفید از خواب بیدار شد و شگفت‌زده و متعجب بود. صبح به مسجد خود آمد، مقداری که آفتاب بالا آمد، ناگهان دید فاطمه بنت ناصر صغیر مادر سید رضی رحمته الله علیه در حالی که دست کودکان خود را گرفته و کنیزان او نیز اطراف او را گرفته‌اند، وارد مسجد شد. شیخ به احترام او برخاست و به او سلام کرد. فاطمه نیز به او سلام کرد و گفت: این دو کودک فرزندان من هستند، آوردمشان تا به آنان فقه بیاموزی. شیخ مفید گریه کرد و به احترام او برخاست و داستان رؤیای خود را برای او تعریف کرد و تعلیم و تربیت آنان را به عهده گرفت و در این راه از هیچ کوششی دریغ نورزید (ابن ابی الحدید، ۱۳۶۳، ج ۱، ص. ۴۱، مدنی شیرازی، ۱۴۰۳، ص. ۴۵۹).



شریف رضی رحمته الله علیه نزد اساتید بزرگ و بلندپایه درس خواند و به مقام استادی رسید. آنگاه خود شاگردان بزرگی تربیت کرد که در رأس آنان شاعر بلندآوازه مهیار دیلمی قرار داشت. سید برای شاگردان خود مدرسه‌ای ساخت و نام آن را دارالعلم گذاشت. در این دانشگاه همه‌گونه وسایل اعم از کتابخانه، احتیاجات مادی و غیر آن فراهم بود. حتی کلیدهای زیادی برای خزانه آن ساخته و به هر یک از شاگردان کلید جداگانه‌ای داد. تا هر کدام در وقت احتیاج، مستقیماً از آن بردارند و استفاده کنند (ابن عنبه، ۱۳۶۲، ص. ۲۱۰-۲۰۹، مدنی شیرازی، ۱۴۰۳، ص. ۴۷۳، امین عاملی، ج ۹، ص. ۲۱۷).

آثار و تألیفات

سید رضی رحمته الله علیه در حوزه‌های گوناگون تخصص داشت. ولی بیشتر فعالیت‌های علمی و قلمی او پیرامون تفسیر، حدیث، شعر و ادب بود. او بیش از ده اثر گرانسنگ و وزین پدید آورد. مهمترین آثار او عبارتند از: نهج البلاغه، خصائص الائمة، مجازات الآثار النبویه، تلخیص البیان عن مجازات القرآن، حقائق التأویل فی متشابه التنزیل و دیوان.

هر کدام از این آثار ابتکاری و در نوع خود بی‌نظیر است. ابن جنی استاد سید رضی رحمته الله علیه و دیگر بزرگان اهل سنت مانند ابن خلکان، ذهبی و دیگران به بی‌نظیر بودن حقائق التأویل در نوع خود تصریح کرده‌اند (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص. ۲۴۶، ابن خلکان، ۱۳۶۳، ج ۴، ص. ۴۱۶، ذهبی (حوادث سال‌های ۴۲۰-۴۰۱) ص. ۱۵۰، مرعشی شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۱، ص. ۵۰۴).

اکثر کتب شریف رضی رحمته الله علیه در مصر به طبع رسیده است. استاد محمد عبدالغنی حسن، مصحح و محقق کتب مجازات القرآن درباره کتاب مجازات الآثار النبویه سید رضی رحمته الله علیه می‌گوید: قبل از آنکه کتاب شریف رضی رحمته الله علیه به طبع برسد ما گمان می‌کردیم تعداد مجازات حدیث نبوی به تعداد انگشتان یک دست نمی‌رسد. مانند: «الآن حمی الوطیس» و «هُدْنَةُ عَلِي دَخَن» و «إياكم و خضراء الدّمن». پس از آنکه کتاب مجازات النبویه در مصر تجدید چاپ شد، آنگاه متوجه شدیم که تعداد مجازات احادیث نبوی چقدر زیاد است (سید رضی رحمته الله علیه، ۱۳۷۴، تلخیص البیان، ص. ۶۲).

اما شهرت و آوازه عالمگیر سید رضی رحمته الله علیه مرهون کتاب پرآوازه و بی‌بدیل نهج البلاغه است که صیت او کران تا کران گیتی را پر کرده است. نهج البلاغه گزینش و انتخاب و جمع‌آوری بسیار عالمانه و ادیبانه‌ای از خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات حکمت‌آمیز امیرالمؤمنین علی علیه السلام است.

مسعودی که حدود یک قرن قبل از شریف رضی رحمته الله علیه می‌زیسته است می‌گوید: هم‌اکنون چهارصد

و چند خطبه از آن حضرت در بین مردم متداول است که می‌خوانند! (مسعودی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص. ۴۳۱). سید رضی رحمته الله علیه بیش از نصف آن را در نهج البلاغه آورده است. البته این را نمی‌توان نادیده گرفت که تقریباً جان کلام حضرت همین مواردی است که سید رضی رحمته الله علیه انتخاب نموده است. نهج البلاغه را در قرن اخیر شیخ محمد عبده متفکر بزرگ مصری به جوامع علمی عرضه کرد و شناساند. نهج البلاغه چاپ‌های متعددی دارد که یکی از آنها تحقیق و تصحیح دکتر صبحی صالح است. این اثر ارزشمند به بسیاری از زبانهای زنده دنیا ترجمه شده است و دهها شرح بر آن نوشته شده که یکی از بهترین و ارزشمندترین شروح قدیمی آن شروح نهج البلاغه، تألیف ابن ابی‌الحدید (متوفای ۶۵۶ ق) است و پس از آن در روزگار ما بهج الصباغه فی شروح نهج البلاغه تألیف علامه شیخ محمد تقی شوشتری (متوفای ۱۴۱۳ ق) است.

شعر

سید رضی رحمته الله علیه از ده سالگی شعر می‌سرود (ثعالبی، ۱۴۰۳، ج ۳ ص ۱۵۵، ابن خلکان، ۱۳۶۴، ج ۴، ص. ۴۴، مدنی شیرازی، ۱۴۰۳، ص. ۴۶۶، خوانساری، ۱۳۹۰، ج ۶، ص. ۱۹۱). و در سرودن شعر به مرتبه‌ای رسید که او را اشعر شعرای قریش نامیدند (ثعالبی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص. ۱۵۵، خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص. ۲۴۶، مدنی شیرازی، ۱۴۰۳، ص. ۴۶۶). از شاهکارهای وی در حوزه شعر جمع بین اکنار (زیاده‌سرای) و اجاده (نیکوسرای) بود که هم زیاد شعر می‌گفت و هم اشعارش با محتوا و کیفیت بود، یعنی هم مکرر بود هم مجید (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص. ۲۴۶، یافعی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص. ۲۰، ابن عنبه، ۱۳۶۲، ص. ۲۰۸، مدنی شیرازی، ۱۴۰۳، ص. ۴۶۶، حر عاملی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص. ۲۶۳). او در زمینه‌های گوناگون شعر می‌سرود که مجموعه آنها در دیوان او موجود است، دیوان او چندین بار به صورت گوناگون در هندوستان، ایران، عراق، لبنان و مصر چاپ و منتشر شده است.

ویژگی‌های شخصیتی

از ویژگیهای بارز سید رضی رحمته الله علیه مناعت طبع و بزرگواری اوست. او آزادمنش و بلندهمت و مصداق کامل جوانمردی بود، به اندازه‌ای که زبانزد عام و خاص گردید. او در این باره شعری سروده است حاوی این ابیات:

إِشْتَرِ الْعِزَّ بِمَا بَيْعَ	فَمَا الْعِزُّ بِغَالِي
بِالْقِصَارِ الصُّفْرُ إِنْ شَتَّ	أَوِ السُّمْرِ الطُّوَالِ
لَيْسَ بِالْمَغْبُونِ عَقْلًا	مَنْ شَرَى عِزًّا بِمَالِ

إِنَّمَا يَذْخُرُ الْمَالُ
وَالْفَتَى مَنْ جَعَلَ الْأَمْوَالَ
لِحَاجَاتِ الرِّجَالِ
أَتَمَانَ الْمَعَالَى

عزت را به هر قیمتی که می‌فروشند خریداری کن، چرا که عزت گران نیست.
با طلای ناب خواهی و یا با نیزه‌های بلند.

کسی که عزت را به مال بخرد از نظر خرد زیانکار نیست.
همانا مال برای نیازمندیهای مردان ذخیره می‌گردد.

جوانمرد کسی است که اموال را برای خرید شخصیت قرار دهد (سید رضی رحمته الله علیه، ۱۴۱۵ (دیوان اشعار)، ج ۲، ص. ۲۴۴-۲۴۵، ثعالبی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص. ۱۷۶، خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص. ۲۴۷، ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۱۵، ص. ۱۱۶، افندی اصفهانی، ۱۳۳۱، ج ۵، ص. ۸۶).

شریف رضی رحمته الله علیه از هیچ فردی صله و جایزه قبول نمی‌کرد، حتی از پدر خود هدیه و جایزه نمی‌پذیرفت. امیران بویهی بسیار کوشیدند تا به او صله بدهند، ولی او هرگز قبول نکرد (ابی‌الحدید، ۱۳۶۳، ج ۱، ص. ۳۳). هنگامی که خداوند به وی نوزادی عطا فرمود وزیر ابومحمد مهلبی هزار دینار در طبقی نهاد و برای او فرستاد. سید رضی رحمته الله علیه به فرستاده او گفت: وزیر خود می‌داند که من هرگز از احدی چیزی نمی‌پذیرم و آن را پس فرستاد. وزیر مجدداً هدیه را فرستاد و گفت: این را به قابله‌ها بدهید، سید رضی رحمته الله علیه گفت: قابله‌ها غریبه نیستند و از پیرزنان خودمان هستند و آنان از ما اجرت نمی‌گیرند. وزیر برای بار سوم آن را فرستاد و گفت: پس آن را بین طلاب علوم دینی تقسیم کنید باز هم سید نپذیرفت و آن را به وزیر بازگرداند. گویند یکی از طلاب آن را گرفت وقتی شریف رضی رحمته الله علیه پرسید چرا قبول کردی؟ گفت خادم در انبار را بسته بود و من از مغازه‌دار روغن خریده بودم این را گرفتم به او بدهم بعد از آن شریف رضی رحمته الله علیه به هر کدام از طلاب کلیدی داد تا هر وقت نیاز دارند از انبار بردارند (ابن عنبه، ۱۳۶۲، ص. ۲۰۹، مدنی شیرازی، ۱۴۰۳، ص. ۴۷۳، امین عاملی، ۱۴۰۳، ج ۹، ص. ۲۱۷).

ابواسحاق فقیه مالکی و معلم قرآن سید رضی رحمته الله علیه که نسبت به اهل علم بسیار مهربان و بخشنده بود روزی از او پرسید: کجا زندگی می‌کنی؟ سید گفت: در خانه پدرم در محله مَحْوَل. ابواسحاق گفت: فردی چونان تو نباید در خانه پدرش زندگی کند. من منزل خودم را در محله کرخ که به نام دارالبرکه است، به تو بخشیدم. سید نپذیرفت و گفت: من حتی از پدرم هیچگاه چیزی نپذیرفتم. ابواسحاق گفت: حق من بر تو از حق پدرت بزرگتر است، چرا که من کلام خدا را به تو آموختم و تو حفظ کردی. آنگاه سید پذیرفت (ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۱۵، ص. ۳۸، ابن ابی‌الحدید، ۱۳۶۳، ج ۱، ص. ۳۴، مدنی شیرازی، ۱۴۰۳،

ص. ۴۶۸، افندی اصفهانی، ۱۴۳۱، ج ۵، ص. ۸۴).

از دیگر خصائص برجسته سید رضی رحمته الله علیه آزاد اندیشی و آزاد منشی بود. او نه در حصار تعصب محصور بود و نه در تنگنای حمیت و قومپرستی و فرقه گرایی. از این روست که اکثر اساتید او از علمای بزرگ اهل سنت بودند. این وسعت نگرش در گزینش نهج البلاغه آشکار است چنانکه وی در این کار تعصب را کنار گذاشت و با رعایت امانت، کلمات حضرت علی رضی الله عنه را نقل کرد. با مروری به نهج البلاغه صدق این مدعا روشن می‌گردد. در بعد حیات دینی نیز سید رضی رحمته الله علیه دارای سعه صدر قابل تحسینی بود و به هیچ وجه تنگ نظر نبود. او برای شیعه و غیر شیعه شعر می‌سرود و حتی برای غیرمسلمانی همانند ابواسحاق صابی مرثیه سرود (امین عاملی، ۱۴۰۳، ج ۹، ص. ۲۲۲).

متعصب نبودن سید به حدی معروف است که استاد محمد عبدالغنی در مقدمه کتاب مجازات القرآن از این خصلت سید یاد کرده و او را بسیار ستوده است (سید رضی رحمته الله علیه، ۱۳۷۴، (تلخیص البیان)، ص ۸۴-۸۰).

درگذشت

سید رضی رحمته الله علیه صبح روز یکشنبه ششم محرم الحرام سال ۴۰۶ ق در بغداد دنیا را وداع گفت. مرگ او زودرس بود، چرا که وی در چهل و شش سالگی چشم از جهان فرو بست. شخصیت‌های سیاسی، مذهبی، قضات و وزرا در مراسم تشییع و دفن وی شرکت کردند. ابوغالب فخرالملک بر جنازه او نماز گزارد و سپس در خانه خود دفن گردید. برادرش سید مرتضی تاب و طاقت مراسم تشییع و دفن برادر عزیز خود را نداشت، لذا به حرم جدش موسی بن جعفر رضی الله عنه رفت. آنگاه نزدیک غروب آفتاب فخرالملک شخصاً به حرم موسی بن جعفر رضی الله عنه رفت و سید مرتضی را با خود به خانه‌اش برد (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص. ۲۴۷، ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۱۵، ص. ۱۱۹، ابن خلکان، ۱۳۶۴، ج ۴، ص. ۴۱۹، مدنی شیرازی، ۱۴۰۳، ص. ۴۷۸).

بعدها جنازه سید رضی رحمته الله علیه را به کربلا بردند و در حائر حسینی دفن کردند. گویند در سال ۹۴۳ هـ به عللی نبش قبر شد و بدن مطهر او همانند روزی بود که او را دفن کردند (بحرالعلوم، ۱۳۶۳، ج ۳، ص. ۱۱۱، خوانساری، ۱۳۹۰، ج ۶، ص. ۱۹۸).

قصائد سوزناکی در رثای او سرودند که از همه سوزناکتر و غمبارتر، مرثیه برادرش سید مرتضی و قصیده شاگرد باوفایش مهیار دیلمی است (مدنی شیرازی، ۱۴۰۳، ص. ۴۸۰-۴۷۸، قمی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص. ۲۷۴).

سید رضی رحمته الله علیه پسری داشت به نام ابواحمد عدنان مجد که از فضلا و مورد احترام خلفا و امرا بود. پس از عموبیش سید مرتضی نقابت طالبین به او سپرده شد (ابن عنبه، ۱۳۶۲، ص. ۲۱۱، مدنی شیرازی، ۱۴۰۳، ص. ۴۸۰).

حیات سیاسی سید رضی رحمته الله علیه

یکی از ابعاد بسیار مهم شخصیت سید رضی رحمته الله علیه، بعد سیاسی زندگانی اوست که اغلب مغفول مانده است. به نحوی که تصویر سید رضی رحمته الله علیه نزد مسلمانان و حتی شیعیان منحصرأ شامل ابعاد علمی و ادبی است و کمتر به وجه سیاسی و اجتماعی وی توجه شده است. توجه به وجه حیات اجتماعی، سیاسی و نقش اجرائی سید رضی رحمته الله علیه پیش از هر چیز حیطة‌ای از شخصیت وی را آشکار می‌کند که عدم توجه به آن موجب تصویری یک بعدی از وی نزد مسلمانان و به طور خاص شیعیان شده است به گونه ای که سید رضی رحمته الله علیه منحصرأ شخصتی علمی و ادبی و به دور از اتفاقات سیاسی و اجتماعی و بی توجه به مسئولیت‌های جمعی قلمداد شده است. از جهتی دیگر توجه به حیات سیاسی سید رضی رحمته الله علیه موجب درک درستتری از جهان اندیشه وی به طور کلی و نگرش خاص وی به امر سیاسی خواهد بود. چرا که سید رساله‌ای مدون درباب فقه که متضمن نگرش سیاسی‌اش باشد نوشت و از این رو فهم اندیشه سیاسی او کاری دشوار است. تنها منبع برای درک دیدگاه سیاسی او اشعاری است که حاوی مضامین سیاسی است و این اشعار نیز به اقتضای وقایع سیاسی و اجتماعی سروده شده است و از این حیث تنها با تکیه بر حیات سیاسی او که در اشعارش متبلور است می‌توان به فهم درست‌تری از اندیشه‌اش دست یافت. این مقاله با توجه به این مهم می‌کوشد تا با توجه دادن به این بعد سید رضی رحمته الله علیه، ضرورت تلاش در فهمی جامع از سید رضی رحمته الله علیه که به جهت یک بعدی بودن و تاکید بر جهت علمی مغفول مانده است را نشان دهد. این توجه نه فقط موجب تصحیح تصور یک جانبه و غیرسیاسی از سید رضی رحمته الله علیه بلکه می‌تواند موجبات اصلاح نگرش به میراث فکری و علمی و ادبی وی باشد. به بیان دیگر حیات سیاسی سید رضی رحمته الله علیه نه فقط وجه عملی زندگی او را در کنار بعد نظری برجسته می‌کند بلکه می‌تواند موجبات درک درست‌تر از جهات نظری شخصیت فکری وی بر اساس وجوه عملی باشد و ما را به تفکر سیاسی سید که بنیاد تدوین نهج‌البلاغه و دیگر آثار اوست نزدیک کند.

سید رضی رحمته الله علیه در زمانه ای زندگی می‌کرد که آل بویه به عنوان حکومتی شیعی در بغداد حکومت می‌کردند و بدون حذف عباسیان آنان را تحت سیطره خود درآوردند و به تحکیم پایه‌های یک نظام سیاسی

شیعی پرداختند. تسامح و مراوده با سایر فرق و ادیان موجب شد که در لوای حکومت آل بویه هم مدارس و حوزه‌های شیعی رونق گیرند و هم شخصیت‌های تراز اول شیعی مجال تحکیم مبانی تشیع و پی‌گیری مطالبات و فعالیت‌های سیاسی بیابند. آل بویه برای کسب رضایت علمای شیعه، مناصب مختلفی را به آنان واگذار کردند. از آنجا که سید رضی رحمته الله علیه در خاندانی شیعی و از سوی دیگر سیاسی متولد شد زمینه لازم برای ورود به سیاست برایش مهیا بود.

چنانکه گذشت سید رضی رحمته الله علیه در خاندانی متولد شد که برخی امور سیاسی را بر عهده داشتند. سید تحت تأثیر پدرش ابواحمد نقیب از همان دوران جوانی داعیه عهده‌دار شدن مناصب حکومتی داشت و حتی بالاتر از این خودش و دوستانی همچون ابواسحاق صابی انتظار داشتند که وی به منصب خلافت برسد (جعفری، ۱۳۷۸، ص. ۱۷۱). توانایی و استعداد شریف رضی رحمته الله علیه در کارهای سیاسی موجب شد که پدر به وی اعتماد کرده و برخی از مهمترین مناصب اجرایی را به وی واگذار کند. ثعالبی نقل می‌کند که پدر سید رضی رحمته الله علیه مسئولیت‌های گوناگونی را به وی محول کرد، اموری چون رسیدگی به دادخواهی و نظر در مظالم دیوان و شکایاتی که دیگر قاضیان از حل آن ناتوان مانده بودند، امیر الحاجی شامل سرپرستی و هدایت حاجیان، قرائت خطبه و اقامه نماز، رسیدگی به امور طرق و شوارع و منزلگاه‌ها و ارائه گزارش مراسم حج به شخص خلیفه (ماوردی، ۱۳۸۳، ص. ۲۲۶). موارد مذکور از جمله اموری بود که ابواحمد نقیب پدر سید رضی رحمته الله علیه در سال ۳۸۰ به پسر خود ابوالحسن واگذار کرد. ثعالبی همچنین می‌گوید که پسر همچون پدر مورد اعتماد و محل توجه عموم مردم عراق بود (ثعالبی، ۱۴۰۳ ج ۳، ص. ۱۵۵). پس از انجام نظارت بر دیوان مظالم و سرپرستی حجاج، بهاءالدوله بویه سید را به جانشینی خود در بغداد منصوب کرد و لقب الرضی رحمته الله علیه ذا الحسین را به او عطا کرد و بعد از استعفای سید لقب الشریف الاجل را بدو تقدیم نمود و در سال ۴۰۳ هـ ق نقابت طالبیان را بر عهده‌اش گذاشت که این نقابت شامل رسیدگی به امور سادات و علویان بود (ماوردی، ۱۳۸۳، ص. ۲۰۱). تا پیش از سید رضی رحمته الله علیه برای هر شهر تنها یک نقیب وجود داشت تا به کارهای علویان بپردازد اما بهاءالدوله او را نقیب النقباء نامید و مسئولیت نقابت تمام جهان اسلام را بدو سپرد. پیش از سید رضی رحمته الله علیه تنها اما رضا رحمته الله علیه این مقام را داشت و پس از سید رحمته الله علیه نیز کسی دیگر بدین جایگاه دست نیافت (امینی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص. ۲۸۲).

با این همه سیاست برای سید رضی رحمته الله علیه اصالت نفسی نداشت و تنها ابزاری بود برای احقاق حق خلافت و اجرای شریعت و عدالت، به همین دلیل « نزدیک شدنش به وزار و ملوک، برای منافع مادی نبود، بلکه بدان سبب بود که می‌خواست بدین طریق، در مشکلات سیاسی به عنوان مردی صاحب

اهمیت شرکت داشته باشد، یا حتی می‌خواست روزی بر تخت خلافت اسلامی فرارود. در این راه به موفقیت‌های هم نائل آمد. چنانکه توانست میان حجاز و عراق، و ایران و عراق، و شام و عراق ارتباطی برقرار کند» (فاخوری، ۱۳۷۴، ص. ۴۹۱). به همین جهت وقتی که می‌دید کار سیاسی به نتیجه دلخواه و درستش نمی‌رسد با ناامیدی آن را رها میکرد و عمل سیاسی را ترک گفته و اعتراض سیاسی را آغاز می‌کرد. از این رو حیات سیاسی سید رضی علیه السلام بیش از آنکه محدود به مناصب دولتی و قضاوت و اجرائیات باشد، معطوف به اعتراض به خلافت نایب و حاکمان بی‌عدالت بود به نحوی که همسان با فعالیت‌های اجرائی، اهمیت سیاسی سید رضی علیه السلام در فعالیت‌های اعتراضی وی است که به ویژه با ابزار شعر بیان می‌شد. سید همانگونه که داخل در سیاست و مشغول به عمل سیاسی بود، با کناره‌گیری و اعتراض‌های آتشین به خلافت و حکومت فعالیت سیاسی داشت. از این رو در کنار مناصب اجرائی بسیار مهم و برجسته سید، اعتراضات او که در قالب شعر بیان می‌شود نیز بسیار حائز اهمیت است. به نحوی که شعر و سیاست در شخصیت سید رضی علیه السلام همسو می‌گردند و او با استفاده از قدرت بی‌بدیل خویش در قصیده سرایی، علیه وضعیت سیاسی و دینی و اجتماعی زمان خود بی‌پروا می‌شورد. دیوان سید رضی علیه السلام در بر دارنده‌ی اشعاری است که روایت‌گر اندیشه‌های سیاسی و در عین حال تصویرگر عصیانهای بی‌باکانه او نسبت به وضع موجود است.

در رأس اعتراضات سیاسی سید، اعتراض به غصب خلافت بر حق خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله توسط امویان و عباسیان است. دیوان شعر سید از این حیث مملو از اشعار اعتراضی به غاصبان حکومت است:

ردوا تراث محمد ردوا لیس القصیب لکم و لالبرد

هل عرقت فیکم کفاطمه ام هل لکم کمحمد جد

جل افتخارهم بانهم عندالخصام مصاقع لد

إن اخلائف و الأولی فخروا بهم علینا قبل أو بعد

شرفوا بنا و لجدنا خلقوا و هم صنائعا إذ عدوا (سید رضی علیه السلام، ۱۴۱۵، رضی علیه السلام، ج ۱، ص. ۳۷۷)

میراث محمد را بازپس دهید، چوگان خلافت و بُرد یمان نبوت از آن شما نیست.

از شما، کدامیتان تبارش به فاطمه علیها السلام می‌رسد؟ یا نیایی چون محمد دارد؟

افتخارتان همه این است که صدایتان بلند است و زبان آورید.

اما گذشتگان و آیندگان، پیش از این و زین پس، بدیشان افتخار کردند و خواهند کرد.

شرافت شما از ماست. به خاطر نیای ما آفریده شدید و اگر نعمتها و نیکی هایتان را برشمارید از دست

او خود را مستحق منصب خلافت می‌دانست و برای دستیابی به این موقعیت حتی تلاشهایی نیز کرد (امین عاملی، ۱۴۰۳، ج ۹، ص. ۲۱۶) هرچند که وقتی دریافت که اوضاع اجتماعی و سیاسی برای نیل بدین مقصود میسر نیست آن را رها کرد (ابن ابی الحدید، ۱۳۶۳، ج ۱، ص. ۳۴). او بر آن بود که خلافت از آن ماست که پدر و مادرمان علی و فاطمه (علیها السلام) بودند، نه از آن عباسیان که پدرشان کافر بود و در جنگ بدر همدست مشرکان قریش بر ضد رسول خدا ﷺ می‌جنگید (امین عاملی، ۱۴۰۳، ج ۹، ص. ۲۱۷-۲۱۶، سید رضی (رحمته الله علیه)، ۱۴۰۶ (حقائق التأویل)، ص. ۶۶).

وی با توجه به همین موضوع اشعاری خطاب به خویش سرود و در آن خود را امیر مؤمنان خواند.

دو بیت آن چنین است:

هَذَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ مُحَمَّدٌ طَابَتْ أَرْوَمَتُهُ وَ تَابَ الْمُحْتَدُّ

أَوْ مَا كَفَاكَ بِأَنَّ أُمَّكَ فَاطِمَةٌ وَ أَبُوكَ حَيْدَرَةٌ وَ جَدُّكَ أَحْمَدُ (ابن عنبه، ۱۳۶۲، ص. ۲۱۰، مدنی

شیرازی، ۱۴۰۳، ص. ۴۷۱-۴۷۰، خوانساری، ۱۳۹۰، ج ۶، ص. ۱۹۷-۱۹۶).

این محمد امیرالمؤمنین است که نسب و اصل او پاک و طاهر است.

آیا (در احراز خلافت) همین تو را کافی نیست که مادرت فاطمه (علیها السلام)، پدرت حیدر و جدت احمد است؟!

سید در این مورد با ابواسحاق صابی کاتب عباسیان مکاتبه داشت. وقتی اشعار وی در امر خلافت بین

مردم شایع شد ابواسحاق از ترس خلیفه منکر آن گردید (ابن ابی الحدید، ۱۳۶۳، ج ۱، ص. ۳۷).

سید (رحمته الله علیه) صریحاً از دولت شیعی مذهب فاطمیان طرفداری می‌کرد. قصیده‌ای صریح و بسیار غراء

در مدح فاطمیان و تعریض به عباسیان سرود که این قصیده ولوله‌ای در بغداد به پا کرد. سید رضی (رحمته الله علیه) در

این قصیده صراحتاً گفت:

أَلْبَسُ الدَّلَّ فِي دِيَارِ الْأَعَادَى وَ بِمِصْرَ الْخَلِيفَةُ الْعَلَوَى

مَنْ أَبُوهُ أَبِي وَ مَوْلَاهُ مَوْلَاى إِذَا ضَامَنَى الْبَعِيدُ الْقَصَى (سید رضی (رحمته الله علیه)، ۱۴۱۵ (دیوان)، ج ۲، ص. ۵۵۲، ابن جوزی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص. ۱۱۸، مدنی شیرازی، ۱۴۰۳، ص. ۴۶۹).

لباس دلت را در سرزمین دشمنان بیوشم و حال آنکه در مصر خلیفه علوی است!

کسی که پدرش پدرم و مولایش مولایم است، هنگامی که آن بیگانه از ما دور به من ستم کند!

وقتی جاسوسان قصیده را به خلیفه گزارش دادند، او بسیار خشمگین شد و نزد پدر رضی (رحمته الله علیه)





فرستاد و گفت: ما به پسر تو چه بدی کردیم که می‌خواهد به مصر برود. مگر در مصر به او چه می‌دهند که ما نداده‌ایم؟ آیا در مصر به او بیشتر از آنچه ما داده‌ایم می‌دهند؟ آیا ما تولیت و تقابیت را به او ندادیم؟ نظارت بر دیوان مظالم را به او ندادیم؟ امارت حاج را به او ندادیم؟ او را به سرپرستی حرمین نگماردیم؟ گمان نمی‌کنم در مصر یکی از اینها را به او بدهند. ابواحمد پدر سید رضی رضی الله عنه گفت: من این شعر را از او نشنیده و به خط او ندیده‌ام، بعید نیست که برخی از دشمنانش آن را ساخته و به وی نسبت داده باشند. قادر گفت: اگر چنین است صورت جلسه‌ای بنویسید و در نسب فاطمین قذح کنید، آنگاه سید رضی رضی الله عنه نیز آن را امضا کند. پدر سید او را خواست و عتاب و خطاب کرد! سید رضی رضی الله عنه منکر شعر شد و گفت: من این شعر را نگفته‌ام. پدرش گفت: اگر نگفته‌ای، پس این قذح‌نامه نسب دولت فاطمیان را امضا کن. رضی رضی الله عنه گفت: من امضا نمی‌کنم. پدرش اصرار کرد. رضی رضی الله عنه گفت: من از جاسوسان فاطمی می‌ترسم. پدرش گفت: عجب از کسانی که ششصد فرسخ از تو فاصله دارند می‌ترسی، ولی از کسانی که در صد متری تو هستند نمی‌ترسی؟! آنگاه پدرش سوگند یاد کرد که دیگر با او صحبت نکند! وقتی خبر این داستان به قادر رسید کینه سید رضی رضی الله عنه را در دل پنهان کرد و چند روز بعد از این ماجرا، او را از مناصبش عزل کرد (ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۱۵، ص. ۱۱۹-۱۱۸، ابن ابی‌الحدید، ۱۳۶۳، ج ۱، ص. ۳۹-۳۷، مدنی شیرازی، ۱۴۰۳، ص. ۴۷۰-۴۶۹).

گویند روزی سید رضی رضی الله عنه در مجلس خلیفه عباسی قادر بالله نشست و با محاسن خود بازی می‌کرد و دست بر آن می‌کشید و تا نزدیک بینی خود می‌آورد. قادر نگاهی به او کرد و گفت: گمان می‌کنم بوی خلافت را از آن استشمام می‌کنی؟! شریف پاسخ داد: نه خیر، بوی نبوت را استشمام می‌کنم (مدنی شیرازی، ۱۴۰۳، ص. ۴۷۰).

نتیجه

سید رضی رحمته الله علیه نزد مسلمانان و به طور خاص شیعیان، پیش از هر چیز به تدوین کتاب شریف نهج البلاغه اشتهار دارد و در وهله بعد به جهت آثار علمی و ادبی. اما بعد حیات سیاسی و اجتماعی سید رضی رحمته الله علیه تحت الشعاع دیگر ابعاد شخصیت وی قرار گرفته است و این امر منجر به درکی ناقص و نادرست از زندگی و اندیشه وی گشته است. حیات سیاسی سید رضی رحمته الله علیه در دو بعد فعالیت سیاسی و مسئولیت های اجرایی و تفکر و نگرش سیاسی قابل پیگیری است. در بعد اول سید مناصب مختلف سیاسی و اجرائی داشته است و نیز در آرزوی بازپس گیری حق خلافت برحق آل علی علیهم السلام بوده است. در حیطه دوم سید با ابزار شعر و در ضمن قصائد قدرتمند مختلف به مخالفت با نظام خلافت عباسیان و غصب حکومت توسط دشمنان علویان برآمده است و اعتراضات سیاسی خود را بیان کرده است. توجه به جهات علمی و عملی حیات سیاسی-اجتماعی سید رضی رحمته الله علیه، فراهم آورنده ی نگرشی صحیح و جامع به شخصیت و نیز آثار و افکار وی خواهد بود.



منابع

۱. ابن ابی‌الحدید معتزلی، عبدالحمید بن هبة الله، ۱۳۶۳ ش، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، ۲۰ جلد در ۱۰ مجلد، قم: اسماعیلیان.
۲. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، المنتظم فی تاریخ الأمم والملوک، به کوشش: محمد عبدالقادر و مصطفی عبدالقادر، مراجعه: نعیم زرزود، چاپ اول، ۱۸ جلد، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳. ابن خلکان، احمد بن محمد، ۱۳۶۴ ش، وفیات الأعیان و أنباء أبناء الزمان، تحقیق: احسان عباس، چاپ دوم، ۸ جلد، قم: منشورات الشریف الرضی رحمته.
۴. ابن عنبه، احمد بن علی، ۱۳۶۲ ش، عمدة الطالب فی أنساب آل أبي طالب، به کوشش: محمد حسین آل طالقانی، چاپ دوم، قم: منشورات الشریف الرضی رحمته.
۵. اصفهانی، میرزا عبدالله، ۱۴۳۱ ق، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، به کوشش: سید احمد حسینی، چاپ اول، ۶ جلد، قم: کتابخانه آیه‌الله مرعشی.
۶. امین عاملی، سید محسن بن عبدالکریم، ۱۴۰۳ ق، أعیان الشیعة، به کوشش: سید حسن امین، چاپ پنجم، ۱۰ جلد، بیروت: دارالتعارف.
۷. امینی، محمد هادی، ۱۳۶۶ ش، الشریف الرضی رحمته، طهران: بنیاد نهج البلاغه.
۸. بحرالعلوم طباطبایی، سید مهدی، ۱۳۶۳ ش، الفوائد الرجالية، به کوشش: محمد صادق بحرالعلوم و حسین بحرالعلوم، ۴ جلد، طهران: مکتبه الصادق.
۹. ثعالبی، عبدالملک بن محمد ابومنصور، ۱۴۰۳ ق، بتیمة الدهر فی محاسن أهل العصر، به کوشش: مفید محمد قمیحه، ۵ جلد، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۰. جعفری، سید محمد مهدی، ۱۳۷۸ ش، سید رضی رحمته، تهران: طرح نو.
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۳۸۵ ش، أمل الآمل فی علماء جبل عامل، به کوشش: سید احمد حسینی اشکوری، ۲ جلد، بغداد: مکتبه الأندلس.
۱۲. خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی، ۱۴۱۷ ق، تاریخ بغداد أو مدینة السلام، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۱۳. خوانساری، سید محمد باقر، روضات الجنات فی أحوال العلماء و السادات، ۱۳۹۰ ش، به کوشش: اسدالله اسماعیلیان، ۸ جلد، قم: انتشارات اسماعیلیان.
۱۴. دوانی، علی، ۱۳۷۷ ش، مفاخر اسلام، محدث نامی حاج شیخ عباس قمی چهره درخشان روحانیت



- شیعه، چاپ اول، جلد یازدهم، در دو بخش، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۵. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان، ۱۴۰۷ ق، *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام*، تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العربی.
۱۶. سید رضی رحمته الله علیه، محمد بن حسین، ۱۳۷۴ ش، *تلخیص البیان فی مجازات القرآن*، تحقیق: محمد عبدالغنی حسن، قم: مکتبه بصیرتی.
۱۷. سید رضی رحمته الله علیه، محمد بن حسین، ۱۴۰۶ ق، *حقائق التأویل فی متشابه التنزیل*، به کوشش: محمدرضا آل کاشف الغطاء، جلد ۵، بیروت: دار الأضواء.
۱۸. سید رضی رحمته الله علیه، محمد بن حسین، ۱۴۱۵ ق، *دیوان اشعار*، ۲ جلد، بیروت: دارالجیل.
۱۹. صفدی، خلیل بن ایبک، *الوافی بالوفیات*، تحقیق: گروهی از فضلا، چاپ دوم، ۲۷ جلد، بیروت: دار صادر.
۲۰. عمری، علی بن ابی غنائم مشهور به ابن صوفی، ۱۴۱۹ ق، *المجدی فی أنساب الطالبین*، تحقیق: احمد مهدوی دامغانی، چاپ اول، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی.
۲۱. فاختوری، حنا، ۱۳۷۴ ش، *تاریخ ادبیات عربی از عصر جاهلی تا قرون معاصر*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: توس.
۲۲. قمی، شیخ عباس، ۱۳۹۲، *الکنی والألقاب*، ۲ جلد، قم: انتشارات بیدار.
۲۳. ماوردی، ابوالحسن علی بن محمد بن حبیب، ۱۴۲۲ ق، *الاحکام السلطانیة*، بیروت: دارالفکر.
۲۴. مدنی شیرازی، سید علی خان بن نظام الدین احمد، ۱۴۰۳، *الدرجات الرفیعة فی طبقات الشیعة*، چاپ دوم، بیروت: مؤسسة الوفا.
۲۵. مرعشی شوشتری، شهید قاضی نورالله بن شریف الدین، ۱۳۵۴ ش، *مجالس المؤمنین*، به کوشش: سید احمد عبد منافی، ۲ جلد، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
۲۶. مسعودی، علی بن حسین، ۱۳۸۴ ش، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، به کوشش: محمد محیی الدین عبدالحمید، چاپ چهارم، قاهره: مطبعة السعادة.
۲۷. یافعی، عبدالله بن اسعد، ۱۴۱۷ ق، *مرآة الجنان و عبرة یقظان فی معرفة ما یعتبر من حوادث الزمان*، چاپ دوم، ۴ جلد، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

